

پیش‌بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی موثر مبتنی بر بافت فرهنگی -

اجتماعی

جواد خدادادی سنگده^۱

علی محمد نظری^۲

خدابخش احمدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۵

با توجه به ضرورت شناسایی و ارزیابی عوامل موثر بر سلامت ازدواج، در این مطالعه به پیش‌بینی نقش عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق در زوج‌های جوان پرداخته شده است. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن ۸۵۳ نفر از زوج‌های شهر تهران که حداقل ۱ فرزند داشتند، به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه خانواده سالم ایرانی و پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری به شیوه گام به گام تجزیه و تحلیل شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد ازدواج سالم دارای رابطه مثبت و معناداری با عوامل زناشویی است. همچنین، عوامل زناشویی قادر به پیش‌بینی ۵۹ درصد از موفقیت ازدواج است. بر این اساس، در شکل‌گیری ازدواج موفق و سالم، عوامل زناشویی مانند حمایت متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق زوج نقش دارند. بنابراین، توجه بیشتر به بافت فرهنگی و اجتماعی در پرداختن به ازدواج اهمیت بنیادی دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج موفق، عوامل زناشویی، زوج‌ها و بافت فرهنگی - اجتماعی

^۱ دکتری مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: Javad.khodadadi7@gmail.com

^۲ دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۳ دانشیار مشاوره، مرکز علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران.

ازدواج یک سنت الهی است که از دیرباز وجود داشته و تمامی شرایع و قوانین آن را ترغیب کرده‌اند. آنچه که از خود ازدواج مهمتر است، موفقیت در این رابطه مقدس و سلامت ازدواج است. رضایت از ازدواج به عنوان هسته مرکزی کیفیت زندگی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و قوی دارد. (یولکر، ۲۰۰۸) چگونگی رابطه زناشویی، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آتی سلامت خانواده و سلامت اعضا بر روی آن بنا می‌شود و بر این اساس، مهم‌ترین ملاک تعیین‌کننده سلامت خانواده، خرسندی زوج از ازدواج است. (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷؛ گریف و ملهرب، ۲۰۰۱: ۲۴۸) متخصصان حوزه ازدواج و خانواده تاکید دارند که سنگ بنای سلامت خانواده، موفقیت رابطه زن و شوهری است. (کار، ۲۰۰۶: ۴۸؛ آماتو و لومیس و بوس، ۲۰۰۵: ۸۹۹؛ آماتو و چیدال، ۲۰۰۸: ۱۱۴۲ و شارم و همکاران، ۲۰۱۲) به بیان دیگر، سلامت افراد در گروه سلامت خانواده است و در این میان، چگونگی رابطه زوجین نقش اساسی و تعیین‌کننده‌تری ایفا می‌کند. (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳ و بنی‌جمال، نفیسی و یزدی، ۱۳۸۳)

اهمیت رابطه زناشویی به گونه‌ای است که حمایت‌های دریافت شده از سایر منابع نمی‌توانند فقدان حمایت از این رابطه را جبران کنند. زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می‌شود، حمایت سایر افراد و منابع حمایتی، نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی فرد ایفا نمی‌کند. با توجه به این مهم و تاثیر همه جانبه کیفیت ازدواج، داشتن ازدواجی موفق برای همه افراد هدفی مهم و اساسی است. (میرز و مادانهیل و تینگل، ۲۰۰۵: ۱۸۶) بررسی نظریه‌های خانواده و ازدواج در ارتباط با سلامت و تداوم رابطه زناشویی نشان می‌دهد که بر اساس رویکرد تبادل اجتماعی، زن و شوهر در صورتی به یک رابطه ادامه می‌هند که جاذبه‌های درونی آن قوی‌تر از جاذبه‌های بیرونی آن باشند. (کار، ۲۰۰۶) بر اساس رویکرد رفتاری، ادامه یا ختم یک رابطه به تبادلات خاص رابطه بستگی دارد؛ به گونه‌ای که رفتارهای پاداش دهنده به تداوم و خرسندی رابطه منجر می‌شود و رفتارهای تنبیهی به ناخرسندی و ختم رابطه منجر می‌شود. (مارکمن، ۱۹۹۱: ۸۸) بر

¹ Ulker

² Long & Young

³ Greeff & Malherbe

⁴ carr

⁵ Amato, Loomis & Booth

⁶ Amato & Cheadle

⁷ Schramm et al.

⁸ Myers, Madathil & Tingle

⁹ Markman

اساس نظریه دلبستگی، رضایت از ازدواج تا حد زیادی به ارضای نیازهای اساسی رفاه، مراقبت، مهرورزی و رضایت جنسی بستگی دارد. (هازن و شیورا، ۱۹۹۴: ۷۱)

مطالعه الگار، کریج و تریس^۲ (۲۰۱۲: ۲) نشان داد که در ازدواج‌های موفق، زن و شوهر زمان بیشتری را با یکدیگر می‌گذرانند، رفتارهای مثبت و تشویقی بیشتری نشان می‌دهند، ابرازگری عاطفی و شناختی دارند، رابطه ولی-فرزندی کارآمدی را دارا هستند و در حوزه‌های اجتماعی از روابط گرمی با دیگران برخوردارند. دونگ و ژایو^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش خود بر روی زوج‌های خوشبخت چینی دریافت که در این زوجها روابط نزدیک و صمیمانه، قدرت خانوادگی مشترک، سازگاری، رضایت جنسی، حمایت اجتماعی، درک متقابل و مستقل بودن از خانواده اصلی وجود دارد. پژوهش اینگرام^۴ (۲۰۱۰) روی زوج‌های موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می‌گذشت، نشان داد این زوجها در فرایند زندگی انعطاف-پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می‌دهند، به تفاوت و شباهت‌های یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می‌دهند و ارزش‌های مشابهی دارند. کریمی ثانی و همکاران^۵ (۱۳۸۹: ۱۲۱) در مطالعه خود بر روی زوج‌های تبریزی نشان دادند که صداقت، وفاداری، مسئولیت‌پذیری، تفاهم، پاک بودن، گذشت و توجه به مسائل معنوی، نقش معناداری در پیش‌بینی ازدواج موفق دارند. فتحی آشتیانی و احمدی^۶ (۱۳۸۳: ۹) نیز در مطالعه خود بر روی ازدواج‌های موفق و ناموفق دریافتند که عوامل موثر بر ازدواج موفق عبارت‌اند از: داشتن اعتماد به یکدیگر، روابط کلامی و غیر کلامی خوب، توافق بر سر مسائل اساسی زندگی، فعالیت‌های ایام فراغت، بچه دار شدن و رضایت جنسی.

شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه زناشویی موفق می‌تواند به ما درباره چگونگی پدیدایی سلامت و آسیب در روابط زوج‌ها بینش و اطلاعات جامع و دقیقی دهد، اما فقدان و کمبود پژوهش در زمینه ازدواج‌های موفق تبیین این واقعیت را در حال حاضر دشوار ساخته است. (اولسون، اولسون و لارسون، ۲۰۰۸) در ادبیات علمی مختص ازدواج، بین ثبات زناشویی^۵ و کیفیت زناشویی^۶ تمایز وجود دارد. ثبات رابطه به رخ ندادن طلاق و گسست رابطه اشاره دارد، در حالی که کیفیت زناشویی به معنای سلامت و

¹ Hazan & Shaver

² Elgar, Craig & Trites

³ Dong & Xiao

⁴ Ingram

⁵ Marital stability

⁶ Marital quality

خرسندی رابطه است و ثبات رابطه به معنای سلامت رابطه نیست. از آنجا که بیشتر مطالعات بر ثبات زوجی و نه ضرورتاً رابطه خوشایند زوجی متمرکز بوده است، شناسایی نقش عوامل موثر، مستلزم مطالعات جدی و خاص است. (کوترلا، دیر و استلزر، ۲۰۱۰)

از سوی دیگر، مطالعات نقش عامل زوجی را در فروپاشی خانواده اصلی و بسیار پر رنگ نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که عدم رضایت و فقدان دریافت حمایت لازم از این رابطه پیش‌بینی‌کننده قوی، گسست ازدواج و خانواده محسوب می‌شود. (اولسون، لارسون و اولسون، ۲۰۰۹: ۱۳۲ و گنزالس، ۲۰۰۹: ۱۳۶) پژوهش‌های گاتمن و لونسون^۳ (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که دوره حساس برای فروپاشی ازدواج در چرخه زندگی خانوادگی هفت سال اول زندگی است. در همین چهارچوب، یک سوم ازدواج‌های جدید در آمریکا، در پنج سال اول منجر به طلاق و جدایی می‌شود. (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷)

با این حال، نکته قابل توجه این است که عوامل اثرگذار بر ازدواج موفق و رضایت از آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و در عین حال بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه ازدواج بر بسترهایی تمرکز داشته است که زمینه شکل‌گیری ناخرسندی، بدکارکردی، آسیب و فروپاشی آن را در بر می‌گرفته است. (گاتمن و نوتاریس، ۲۰۰۲: ۱۶۶؛ موت و کوالاسکی و منیگهان، ۲۰۰۲: ۱۰۶؛ اینگرام، ۲۰۱۰) این در حالی است که که لازمه هر گونه اقدام اساسی و موثر جهت اتخاذ برنامه‌های پیشگیرانه از آسیب‌های مرتبط با شکست در ازدواج، پرداختن به عوامل موثر در ازدواج‌های موفق است و این قبیل مطالعات، سهم نه چندان زیادی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس، مطالعه حاضر با استفاده از ابزار بومی و وابسته به بافت فرهنگی - اجتماعی به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که عوامل زناشویی چقدر در پیش‌بینی ازدواج موفق نقش دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است که جهت بررسی نقش عوامل زوجی در ازدواج موفق انجام شده است. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از تمامی زوج‌های شهر تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ که حداقل دارای ۱ فرزند بودند. داشتن حداقل ۱ فرزند، گذشتن حداقل ۳ سال از عمر ازدواج زوج،

¹ Olson, Larson & Olson

² Gonzales

³ Gottman & Levenson

⁴ Gottman & Notaries

⁵ Mott, Kowalaeski & Menaghan

سن کمتر از ۳۸ سال و ساکن تهران بودن از جمله ملاک‌های ورود به مطالعه بود. از بین این زوج‌ها، تعداد ۸۵۳ نفر (شامل ۴۸۱ زن و ۳۷۲ مرد) به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. مبنای تعیین حجم نمونه در مطالعات همبستگی با هدف پیش‌بینی و رگرسیون، انتخاب حداقل ۱۵ آزمودنی در ازای هر متغیر پژوهش است (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۲) که با در نظر گرفتن ریزش و داده‌های پرت حجم بزرگتری انتخاب شد. جهت دسترسی به نمونه معرف و دستیابی به اطلاعات کامل و غنی، عرصه پژوهش در محدوده وسیعی انتخاب شد. برای انتخاب نمونه در مرحله اول شهر تهران به پنج بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و بخش مرکزی تقسیم و سپس از هر بخش ۱ منطقه انتخاب شد. در مرحله بعد از بین نواحی منطقه انتخاب شده دو ناحیه انتخاب شد و در نهایت با مراجعه به اماکن عمومی (فرهنگسراها، خانه‌های سلامت شهرداری، کتابخانه‌ها و پارک‌ها) نواحی انتخاب شده، نمونه‌های واجد شرایط برای پاسخ به ابزار پژوهش انتخاب گردیدند. برای گردآوری اطلاعات، بعد از توضیح هدف و اهمیت پژوهش و عدم نیاز به ارائه نام و نشانی نمونه‌ها از سوی پژوهشگر، به آنها فرصت کافی داده شد که با دقت به سوالات پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. مدت زمان پاسخگویی معمولاً حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به طول می‌انجامد. اطلاعات بیشتر با هماهنگی و تعیین وقت قبلی با مراجعه به خانه‌های سلامت و فرهنگسراها در نواحی انتخاب شده گردآوری شد. تلاش گردید که شرایط جمع‌آوری اطلاعات برای تمامی آزمودنی‌ها تا حد امکان یکسان باشد؛ بدین صورت که برای تمامی نمونه‌ها پژوهشگر شخصاً به توزیع پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است، در زمان پاسخگویی به هر گونه ابهام از سوی افراد پاسخ داده می‌شد و در زمان تحویل پرسشنامه بررسی می‌شد که آزمودنی به همه سوالات پاسخ داده باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از پرسشنامه خانواده سالم ایرانی و پرسشنامه جمعیت‌شناختی استفاده شد.

پرسشنامه خانواده سالم ایرانی (IFHQ¹): این پرسشنامه خودگزارشی ۸۸ سوالی که ارتباط عوامل مختلف مرتبط با سلامت خانواده را می‌سنجد، شامل ۶ خرده‌مقیاس عوامل فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری، اجتماعی و دینی است که متناسب با بافت فرهنگی-اجتماعی خانواده ایرانی ساخته و اعتبارسنجی شده است. (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳) پاسخ سوالات بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده و از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) متغیر است. در پژوهش حاضر، خرده‌مقیاس سلامت ازدواج مورد نظر بوده است. این خرده‌مقیاس ۲۸ سوالی در ۷ بُعد فرعی تنظیم شده است و به

¹ Iranian Family Health Questioner

ترتیب قدردانی، تعهد، صمیمیت زناشویی، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، حمایت‌گری متقابل و توافق زوج بر سر مسائل اساسی را در رابطه زناشویی می‌سنجد. ملاحظات شاخص‌های روانسنجی ابزار مورد استفاده در پژوهش، ضمن تایید روایی صوری و محتوایی از سوی متخصصان، روایی سازه و پایایی ترکیبی مطلوب و بالایی را با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی نشان داده است. تمامی گویه‌ها، بار عاملی معناداری بر روی عامل مربوط به خود نشان می‌دهند و نتایج حاصل از بررسی پایایی مرکب عوامل در دامنه ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ قرار دارد که نشان دهنده پایایی مطلوب برای این ابزار است. مقادیر شاخص میانگین مقادیر اشتراکی برای بررسی روایی نشان می‌دهد که این ضریب در دامنه مطلوبی قرار دارد. (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳) میزان اعتبار مقیاس در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و دامنه ضریب ۰/۷۵ تا ۰/۸۷ برای زیر مقیاس‌های آن به دست آمده که بیانگر اعتبار مطلوب ابزار است.

پرسشنامه جمعیت‌شناختی: اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مانند سن، تحصیلات، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با استفاده از پرسشنامه جمعیت‌شناختی بررسی شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات و نمره‌گذاری بر اساس دستورالعمل مقیاس، داده‌ها توسط برنامه SPSS-19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی آماری علاوه بر آمار توصیفی، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

شمار نمونه‌های مورد مطالعه، ۸۵۳ نفر شامل ۴۸۱ زن (۵۶/۴ درصد) و ۳۷۲ مرد (۴۴/۶ درصد) از زوج‌های جوان شهر تهران بود. میانگین و انحراف استاندارد سنی آزمودنی‌ها به ترتیب ۳۳/۱۱ و ۸/۳۸ بود. ۸/۹ از آزمودنی‌ها دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر، ۳۴/۱ درصد لیسانس، ۴۳ درصد دیپلم و تحصیلات ۹/۴ درصد راهنمایی و پایین‌تر بود. از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرها، از رگرسیون گام به گام برای بررسی ضریب همبستگی چندگانه بین قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، توافق بر سر موضوعات اساسی و حمایت متقابل و سلامت ازدواج و از ضرایب تأثیر بین متغیرها جهت تعیین بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (مهمترین عوامل تأثیرگذار) استفاده شد. جدول ۱، همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: همبستگی بین متغیرها و ازدواج موفق

همبستگی دو متغیره								
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱.قدردانی
						۱	۰/۶۷۹**	۲.تعهد
					۱	۰/۷۱۴**	۰/۷۱۷**	۳.صمیمیت
				۱	۰/۶۸۳**	۰/۵۷۸**	۰/۵۹۰**	۴.رضایت جنسی
			۱	۰/۶۱۴**	۰/۷۰۵**	۰/۶۷۱**	۰/۶۸۷**	۵.تلاش برای خشنودی
		۱	۰/۵۹۵**	۰/۵۳۷**	۰/۶۶۴**	۰/۶۲۴**	۰/۶۷۵**	۶.توافق سر موضوعات
	۱	۰/۷۰۵**	۰/۶۶۸**	۰/۶۰۷**	۰/۷۵۶**	۰/۷۶۷**	۰/۷۵۸**	۷.حمایت متقابل
۱	۰/۸۷۶**	۰/۸۲۵**	۰/۸۳۰**	۰/۷۹۰**	۰/۸۵۷**	۰/۸۱۲**	۰/۸۳۴**	۸.سلامت ازدواج

(**P<۰/۰۱ و *P<۰/۰۵)

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که ازدواج موفق با تمامی عوامل زوجی مورد مطالعه در این پژوهش دارای ارتباط معناداری است. در ادامه، مهمترین عوامل زناشویی موثر بر سلامت ازدواج در خلال ۷ گام با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استخراج شدند و بیشینه ضریب همبستگی چندگانه محاسبه شد. (جدول ۲)

جدول ۲: خلاصه مدل برای پیش بینی ازدواج موفق

گام	پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	خطای برآورد	F	معناداری
۱	قدردانی	۰/۵۸۴	۰/۳۴	۰/۶۸۶۸۴۸	۲۷۹۵/۷۵۷	۰/۰۰۰
۲	قدردانی و تعهد	۰/۶۲۵	۰/۳۹	۰/۶۲۱۳۱۵	۲۰۰۶/۳۹۲	۰/۰۰۰
۳	قدردانی، تعهد و صمیمیت زناشویی	۰/۶۸۴	۰/۴۶	۰/۵۸۹۱۳۵	۱۵۸۸/۲۵۹	۰/۰۰۰
۴	قدردانی، تعهد و صمیمیت و رضایت جنسی	۰/۷۰۳	۰/۴۹	۰/۵۷۹۴۴۱	۱۲۵۴/۲۲۷	۰/۰۰۰
۵	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی و تلاش برای خشنودی یکدیگر	۰/۷۴۸	۰/۵۵	۰/۵۷۵۴۸۲	۱۰۲۴/۸۲۵	۰/۰۰۰
۶	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر و توافق	۰/۷۶۱	۰/۵۷	۰/۵۷۴۱۳۱	۸۶۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
۷	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، توافق و حمایت متقابل	۰/۷۶۸	۰/۵۹	۰/۵۷۳۲۴۵	۷۴۱/۰۱۸	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که با توجه به معناداری F ضریب همبستگی چندگانه معنادار است و نشان از ارتباط معنادار و قدرتمند ۷ عامل زناشویی با سلامت ازدواج دارد. علاوه بر این، معناداری آماره F در این مدل، نشان می‌دهد که مدل پیش‌بینی سلامت ازدواج توسط ۷ عامل زوجی، مدل مناسبی برای برازش دادن داده‌ها در این زمینه است و در کل، این ۷ عامل قادر به تبیین (پیش‌بینی) ۵۹ درصد از واریانس (تغییرات) میزان سلامت ازدواج در زوج‌ها می‌باشد. در نهایت، جدول ۳، ضرایب رگرسیون، ضرایب بتا و معناداری این ضرایب را به عنوان نقش پیش‌بینی کننده هفت متغیر پیش‌بین استخراج شده در تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد. (گام آخر)

جدول ۳: ضرایب رگرسیون عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای معیار	ضریب تأثیر (β)	t	سطح معناداری
ثابت	۱/۲۶۰	۰/۰۸۵		۱۴/۸۳۲	۰/۰۰۰۱
حمایت متقابل	۰/۰۹۱	۰/۰۰۵	۰/۳۸۴	۱۸/۴۶۴	۰/۰۰۰۱
صمیمیت زناشویی	۰/۱۳۵	۰/۰۱۸	۰/۱۲۶	۷/۳۱۸	۰/۰۰۰۱
قدردانی	۰/۱۲۱	۰/۰۱۲	۰/۱۶۸	۹/۹۵۷	۰/۰۰۰۱
تعهد	۰/۰۸۳	۰/۰۱۴	۰/۱۰۰	۵/۹۲۱	۰/۰۰۰۱
تلاش برای خشنودی هم	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۸۱	۴/۳۹۳	۰/۰۰۰۱
رضایت جنسی	۰/۰۹۶	۰/۰۲۱	۰/۰۷۸	۴/۶۶۷	۰/۰۰۰۱
توافق سر موضوعات اساسی	۰/۰۴۰	۰/۰۱۳	۰/۰۵۱	۳/۱۰۲	۰/۰۰۰۱

معناداری آماره t در جدول ۳ نشان‌دهنده این است که همه ۷ متغیر پیش‌بین، تأثیر آماری معناداری در تبیین ازدواج موفق دارد. همچنین، میزان ضریب رگرسیون معیارشده یا ضریب تأثیر (ضریب بتا) نیز نشان می‌دهد که از بین ۷ متغیر پیش‌بین استخراج شده از روش رگرسیون گام به گام به ترتیب: حمایت‌گری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی، مهمترین عوامل موثر بر ازدواج موفق هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش پیش‌بین عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق صورت گرفت. برای رسیدن به این هدف ۷ عامل زناشویی شامل حمایت‌گری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی به عنوان متغیر پیش‌بین وارد معادله

شدند. در گام نخست تحلیل داده‌ها نشان داد که عوامل مذکور قادر به تبیین (پیش‌بینی) ۵۹ درصد از واریانس ازدواج موفق است. در تحلیلی جزئی‌تر مشخص شد که حمایت‌گری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی به ترتیب مهمترین عوامل زناشویی در ازدواج موفق هستند؛ به این صورت که با افزایش این عوامل، به همان میزان احتمال شکل دادن به یک ازدواج موفق فزونی می‌یابد و برعکس. این یافته‌ها با نتایج مطالعات وروف، یانگ و گُن^۱(۲۰۰۰)، گاتمن و لونسون^۲(۲۰۰۲)، میرز، مادتهیل و تینگل^۳(۲۰۰۵)، آماتو و چیدال^۴(۲۰۰۸)، یولکر^۵(۲۰۰۸)، اینگرام^۶(۲۰۱۰)، دونگ و ژایو^۶(۲۰۱۰)، کوترلا، دایر و استلزر^۳(۲۰۱۰: ۸۲۰)، آماتو و کیس^۴(۲۰۱۱: ۴۴)، کریمی‌ثانی و همکاران^۶(۱۳۹۲) و فتحی آشتیانی و احمدی^۶(۱۳۸۳) همسوست.

این یافته‌ها بیانگر این واقعیت علمی است که تعاملات زناشویی، بستر بسیار مهمی برای شکل‌دهی خانواده سالم است و در مقایسه با سایر عوامل اثرگذار، نقش منحصر به فرد و تعیین‌کننده ای ایفا می‌کند و سنگ-بنای سلامت خانواده است. (گریف، ۵، ۲۰۰۰ و اولسون و لارسون^۶، ۶، ۲۰۰۷) بر اساس نتایج این مطالعه، قدردانی، تعهد متقابل، صمیمیت، توافق بر سر موضوعات اساسی، حمایت‌گری متقابل، تلاش برای خشنودی یکدیگر و رضایت جنسی تعیین‌کننده‌های رابطه زوجی موفق شناخته می‌شوند. بر این اساس هر چقدر زن و شوهر در روابط خود بیشتر قدردان یکدیگر باشند، نسبت به یکدیگر و رابطه‌شان تعهد داشته باشند، برسر مسائل اساسی زندگی با یکدیگر توافق بیشتری نشان دهند، برای خشنودی یکدیگر تلاش کنند، رفتارهای حمایتی و صمیمانه بیشتری در پیش گیرند و به کم و کیف روابط جنسی خود اهمیت دهند، ازدواج آنها از موفقیت بیشتری برخوردار است.

از دیگر یافته‌های قابل توجه این مطالعه آن بود که در بین متغیرهای رابطه زوجی، حمایت متقابل زوج از یکدیگر از بالاترین سهم در ازدواج سالم برخوردار است؛ به گونه‌ای که این متغیر به تنهایی قادر به پیش‌بینی ۳۴ درصد از سلامت ازدواج است. این یافته ضمن همخوانی با نتایج مطالعات وروف، یانگ و گُن^۱(۲۰۰۰) و کریمی‌ثانی و همکاران^۶(۱۳۸۹) با مطالعه اولسون، اولسون و لارسون^۶(۲۰۰۸) که در آن عامل ارتباط بالاترین سهم را در ازدواج سالم ایفا می‌کند، همخوانی ندارد. آنها به ترتیب اهمیت ارتباط و

¹ Veroff, Young & Con

² Gottman & Levenson

³ Kotrla, Dyer & Stelzer,

⁴ Amato & Keith

⁵ Greef

⁶ Olson & Larson

صمیمیت را به عنوان ملاک‌های اول ازدواج‌های موفق در زوج‌های آمریکایی مطرح می‌کنند. این تفاوت می‌تواند به خوبی نقش اثرگذار بافت فرهنگی و اجتماعی را منعکس کند. در بافت فرهنگی ایرانی آنچه برای استحکام رابطه زوجی مهمتر به نظر می‌رسد، حمایت متقابل زن و شوهر از یکدیگر است، در حالی که در بافت فرهنگی زوج‌های امریکایی، ارتباط نقش اصلی و اولویت اول را دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که حمایت از جانب همسر به هنگام مواجهه با اتفاقات استرس‌زا، به کارآیی و سلامت رابطه زوجی کمک می‌کند. زوج‌هایی که سطح بالایی از حمایت را از سوی همسر خود تجربه می‌کنند، رضایت زناشویی بالاتری را نشان می‌دهند و پیامدهای طولی بهتری را در مقایسه با سایر زوج‌ها در ازدواج تجربه می‌کنند. این مهم بیانگر این واقعیت است زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می‌شود، حمایت سایر افراد نقشی در پیش بینی سلامتی و درماندگی فرد ایفا نمی‌کند. (بروک و لاورنس، ۱، ۲۰۰۸: ۱۳)

قدردانی، ارج نهادن به تلاش‌های یکدیگر است، چرا که هیچ کس همانند همسر و والدین نمی‌تواند نیازهای عاطفی و مادی افراد را برآورده سازد. نکته قابل توجه این است که قدردانی زن و شوهر از یکدیگر، علاوه بر تشویق رفتارهای مثبت، افزایش صمیمیت آنها را به دنبال دارد. این یافته با نظریه تبادل اجتماعی که پیشنهاد می‌کند تبادلات اجتماعی مثبت با کیفیت کلی رابطه مرتبط است، همخوانی دارند. قدردانی در افزایش نزدیکی و میزان صمیمیت زن و شوهر موثر است. (احمدی، آشتیانی و عرب‌نیا، ۱۳۸۵) هنگامی که زوج درگیر مسائل و مشکلات مرتبط با نقش‌های مختلف خود هستند، توجه کمتری بر جنبه‌های مثبت ازدواج خود دارند. مهمترین روش برای بازگرداندن توجه زوج از جنبه‌های منفی به جنبه‌های خوشایند و مثبت رابطه زوجی، تشکر و قدردانی از یکدیگر در قبال پرداختن به تکالیف روزمره زندگی است. (فاطمیما و اجمل، ۲، ۲۰۱۲)

توافق زوجین در مورد مسائل مهم زندگی مانند اهداف زندگی، شیوه زندگی، چگونگی تربیت فرزند، تصمیم‌گیری‌های مالی، شغلی و تحصیلی از دیگر دلایل زوجی تعیین‌کننده ازدواج موفق بود. این توافق نقش بسیار مهمی در انسجام رابطه زوجی و خانوادگی دارد، چرا که موجب می‌شود زن و شوهر مانند یک تیم عمل کنند و از مشارکت و تعامل مشترک بیشتری برخوردار باشند. این مهم موجب نزدیکی بیشتر آنها می‌شود و آنها زمان‌های بیشتری را برای با هم بودن، بیان دغدغه‌ها و نگرانی‌ها، صمیمیت فیزیکی و

¹ Brock & Lawrence

² Fatima & Ajmal

روان‌شناختی و فعال شدن مکانیسم‌های حمایتی پیدا می‌کنند. (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳؛ کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۲) ازدواج‌هایی که در آنها توافق حاکم است، رابطه والدی- فرزندگی گرم و مثبت است و احتمال بیشتری وجود دارد که پدر و مادر نقش‌های مشابه، شراکت و همکاری متقابل داشته باشند، زیرا برای یک زوج بعید است که زن و شوهر خوبی نباشند و بخواهند والدین با کفایتی باشند. (احمدی، آزاد مرزبادی و ملازمانی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

طبق نتایج این مطالعه تعهد متقابل و رضایت جنسی زوج، نقش معناداری در ازدواج سالم و سلامت رابطه زوجی ایفا می‌کند. تعهد^۱ میزان تمایل فرد برای ادامه رابطه زوجی خود تعریف می‌شود. به بیان دیگر، نشان دهنده این است که فرد چگونه و به چه میزان به رابطه زناشویی خود و اهدافی که برای زندگی در نظر گرفته است، اهمیت می‌دهد. (هاروی، ۲، ۲۰۰۵) با اینکه تعهد یکی از عوامل اساسی برای رسیدن به ثبات زناشویی و موفق شدن در این رابطه محسوب می‌شود، اما از آنجایی که کیفیت رابطه جنسی از دیگر جنبه‌های رابطه زوجی تاثیر می‌پذیرد و در عین حال اثر می‌گذارد، بنابراین کیفیت این رابطه نیز می‌تواند مقیاس مناسبی برای سنجش سلامت ازدواج محسوب می‌شود. رضایت داشتن زوج از رابطه جنسی، شاخصی مناسب برای ثبات ازدواج و خرسندی از آن محسوب می‌شود و زوج‌هایی که ارتباط عاطفی خوبی با هم دارند، رابطه فیزیکی و عاشقانه بیشتری را نشان می‌دهند (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷). بیشتر زوج‌هایی که رضایت جنسی بیشتری دارند، میزان بالاتری از رضایت کلی از رابطه زناشویی و سلامت خانوادگی را از خود نشان می‌دهند. (کوترلا، دایر و استلزر، ۲۰۱۰) بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که این دو عامل در موفقیت رابطه زوجی، نقش معنادار ایفا کنند.

اما آنچه که این یافته‌ها را از مطالعات قبلی متمایز می‌کند، شناسایی عوامل موثری است که به خوبی اثرات فرهنگ و بافت اجتماعی را بر زندگی خانوادگی نشان می‌دهد. تلاش برای خشنودی یکدیگر و توافق و قدردانی از همسر، در زمره رفتارهایی است که در بافت فرهنگی کشورما بر رضایت طرفین از یکدیگر بسیار موثر است. این عوامل حاوی معنای ارزشمندی است و بیانگر حاکم بودن فرهنگ جمع‌گرایی و ارزش‌هایی چون ایثار و از خود گذشتگی و دور بودن از فرهنگ فردگرایی است. این قبیل رفتارها در این بافت خانواده محور بر خلاف سایر بافت‌های اجتماعی که رضایت و لذت فردی در آن از اهمیت بیشتری

¹ Commitment

² Harway

برخوردار است، بار ارزشی و معنایی متفاوتی به دنبال دارد. این قبیل تعاملات، زن و شوهر را به یکدیگر نزدیک می‌کند، چرخه تعاملات مثبت و تقویت‌کننده را ایجاد می‌نماید، مکانیسم‌های حمایتی آنها را فعال نگه می‌دارد و اثرات انکارناپذیر و چشمگیری در سلامت روابط زوجی و در نهایت، کل نظام خانواده دارا می‌باشد که در پژوهش‌ها و دیدگاه‌های کنونی خانواده و ازدواج کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

توافق زوج در مورد مسائل مهم زندگی مانند اهداف زندگی، شیوه زندگی، تصمیم‌گیری‌های مالی، شغلی و تحصیلی نقش بسیار مهمی در انسجام رابطه زوجی داشته است، چرا که موجب می‌شود زن و شوهر مانند یک تیم عمل کنند و از مشارکت و تعامل مشترک بیشتری برخوردار باشند- این مهم، موجب نزدیکی بیشتر آنها می‌شود. بنابراین، این رفتارها در چهارچوب ازدواج باعث می‌شود که زن و شوهر ادراک بیشتری از نزدیک بودن، اهمیت داشتن و احساس محبت و دوست داشته‌شدن را تجربه کنند و این وضعیت در افزایش احساس ارزشمندی بسیار موثر است و قالب رابطه زوجی را صمیمانه‌تر و جذاب‌تر می‌کند. (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲؛ احمدی، آشتیانی و عرب‌نیا، ۱۳۸۵) نکته قابل توجه این است که قدردانی زوج از یکدیگر و تلاش برای خشنودی متقابل، علاوه بر تشویق رفتارهای مثبت، افزایش صمیمیت آنها را به دنبال دارد. این دو رفتار در افزایش میزان صمیمیت زوجی کارآمد است و صمیمیت در خانواده، با افزایش رضایت از زندگی، سلامت عمومی و سازگاری در شرایط فشارزا در زن و شوهر و سایر اعضای خانواده ارتباط دارد. (اولسون و لارسون، ۲۰۰۷ و اولیو، جیمنز و پارا، ۲۰۰۹: ۱۳۹)

خلاصه آن که این مطالعه نشان داد که هر قدر زن و شوهر در روابط خود رفتارهای حمایتی و صمیمانه بیشتری نشان دهند، بیشتر قدردان همدیگر باشند، نسبت به یکدیگر و رابطه‌شان تعهد داشته باشند، برای خشنودی یکدیگر تلاش کنند، به کم و کیف خرسندی از روابط جنسی خود اهمیت دهند و بر سر مسائل اساسی زندگی با یکدیگر توافق داشته باشند، به همان میزان ازدواج آنها و در نهایت، سیستم خانوادگی آنها از کارایی و موفقیت بیشتری برخوردار است.

بنا بر این نتایج، راهکارهایی از قبیل توجه بیشتر به انجام پژوهش در حوزه سلامت ازدواج به جای پرداختن به آسیب‌ها و ناکارآمدی‌ها، آموزش جوانان و زوجها در زمینه عوامل شناسایی شده، در نظر گرفتن و پرداختن به این عوامل در مشاوره زناشویی و خانواده جهت استحکام بخشی رابطه زناشویی و توجه به

¹ Oliva , Jimenez & Parra

ابزارها و مدل‌های بومی برای هرگونه مداخله و تصمیم‌گیری در بحث ازدواج پیشنهاد می‌گردد. همچنین، لازم است که زوج‌ها از همان ابتدای ازدواج و حتی پیش از ازدواج، به جای توجه به مسائل کم‌اثر به این عوامل که نقش پررنگ و معناداری در موفقیت ازدواج ایفا می‌کنند، بپردازند که این مهم، مستلزم شناساندن و مهارت‌آموزی به زوج‌ها از سوی نهادهای رسمی و غیر رسمی است.

این پژوهش به نوبه خود با محدودیت‌هایی نیز رو به رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر تهران بودند و تعمیم این نتایج به همه خانواده‌های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. خودگزارشی بودن ابزار جمع‌آوری اطلاعات از محدودیت‌های قابل توجه است. از سوی دیگر، ازدواج موفق می‌تواند از عوامل و متغیرهای بی‌شمار دیگری متأثر باشد که در این پژوهش به آنها پرداخته نشده است. با این حال، اطلاعات حاصل از این پژوهش می‌تواند دستمایه پژوهش‌های دیگر در این زمینه قرار گیرد تا افق‌های روشن دیگری پیرامون ازدواج موفق گشوده شود.



- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی و عرب‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۵) "بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی". فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۲(۵): ۵۵-۶۷.
- احمدی، خدابخش؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار و ملازمانی، علی (۱۳۸۴) "بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه". مجله طب نظامی. ۷(۲): ۱۴۱-۱۵۲.
- بنی‌جمال، شکوه السادات؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، سیده‌منور (۱۳۸۳) "ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج". مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱(۲): ۱۴۳-۱۷۰.
- بورگ، والتر؛ گال، جویس و گال، مردیت (۱۳۹۳) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: نشر سمت و دانشگاه شهید بهشتی
- خدادادی سنگده، جواد (۱۳۹۳) "شناسایی و سنجش شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه مدل خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی و اجتماعی". رساله دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش و حسینی، جعفر (۱۳۹۳) "شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه‌ای کیفی و اکتشافی". فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان. ۹: ۲۵-۲۴.
- فتحی آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۸۳) "بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان". دانش‌ور رفتار. ۱۱(۷): ۱۶-۹.
- کریمی‌ثانی، پرویز؛ اسمعیلی، معصومه؛ فلسفی‌نژاد، محمد رضا؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ فرحبخش، کیومرث و احیائی، کبری (۱۳۹۲) "تدوین محتوای مشاوره قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت‌های معنوی و اخلاقی پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق در بین زوج‌های تبریز". زن و مطالعات خانواده. ۲(۷): ۱۳۲-۱۲۱.
- Amato, P.R, & Keith, B. (2011) "Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis". Journal of Marriage and Family. 53(1):43-58.
- Amato, P.R, & Cheadle, J.E.(2008) "Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children". Social Forces. 86(3),1139-1161

- Amato, P.R, Loomis, LS, Booth A. (2005) **"Parental Divorce, Marital Conflict, and Offspring Well-Being during Early Adulthood"**. Social Forces.73: 895-915.
- Brock, R.L., & Lawrence, E. (2008) **"A longitudinal investigation of stress spillover in marriage: Does spousal support adequacy buffer the effects?"**. Journal of Family Psychology. 22(1), 11–20.
- Carr, A. (2006) **Family therapy: concept, process and practice**. London: Wiley
- Dong, Z.Y., & Xiao, C.D. (2010) **"Impact factors of Chinese middle-aged group's marital satisfaction: An analysis based on economic model"**. Techno economics & Management Research. 1, 97–101.
- Elgar, F.J., Craig, W., & Trites, S.(2012) **"Family Dinners, Communication, and Mental Health in Canadian Adolescents"**. Journal of Adolescent Health.4, 1-6.
- Fatima, M., & Ajmal., A.(2012) **"Happy Marriage: A Qualitative study"**. Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology. 9(2):37-42.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2002) **"Generating hypotheses after 14 years of marital follow up: Or how should one speculate?"**. A reply to Dekay, Greeno, and Houck. Family Process. 40, 105-110.
- Gottman, J. M., & Notaries, C. I. (2002) **"Marital research in the 20th century and a research agenda"**. Family Process. 55, 159-197.
- Greeff, A. P., & Malherbe, L.(2001) **"Intimacy and marital satisfaction in spouses"**. Journal of Sex & Marital Therapy. 27(3), 247-257.
- Harway, M.(2005) **Handbook of Couples Therapy** . John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1994) **"Deeper into attachment theory"**. Psychological Inquiry. 5, 68–79.
- Ingram, J.R.(2010) **Money stories of successful long-term married couples**. Pro Quest Dissertations and Theses. Texas woman's university.
- Kotrla, K., Dyer, P., & Stelzer, K. (2010) **"How clergy sexual misconduct happens: A qualitative study of first-hand accounts"**. Journal of the Scientific Study of Religion. (48)4, 817-824.
- Long, L.L., & Young, M.E.(2007) **Counseling and Therapy for Couples**. Thomson: BROOKS/COLE.
- Markman, H. J. (1991) **"Constructive marital conflict is NOT an oxymoron"**. Behavioral Assessment. 13, 83-96.
- Mott, F.L., Kowalaeski-Jones, L., & Menaghan, E.G.(2002) **"Paternal Absence And Child Behavior: Does Children's Gender Make A Difference?"**. Journal of Marriage and the Family. 59, 103-118.
- Myers, J.E., Madathil, J., & Tingle, L.R.(2005) **"Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged**

- marriages and marriages of choice".** Journal of Counseling and Development. 83: 183-190.
- Oliva A, Jimenez J M, Parra A.(2009) "**Protective effect of supportive family relationships and the influence of stressful life events on adolescent adjustment**". Anxiety, Stress and Coping.22:137-2
 - Olson, D. H., & Larson, P. J.(2007) **Correlation of husband and wife on ENRICH scales.** Minneapolis, MN: Life Innovations.
 - Olson, D. H., Larson, P. J. & Olson-Sigg, A. (2009) "**couple checkup: Tuning Up relationships**". Journal of Couple & Relationship Therapy. 8: 129-142.
 - Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012) "**Religiosity, homogamy and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages**". Journal of Family Issues. 33, 8567-1571
 - Ulker, A. (2008) "**Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background**". Australian Economic Papers. 2, 199-218.



The Prediction of Youth Successful Marriage: The Role of Effective Marital Factors on the Socio-Cultural Context

Javad Khodadadi sangdeh

Ph.D., Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Ali mohammad Nazari

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Khodabakhsh Ahmadi

Ph.D., Associate Professor, Baqiyatallah University of Medical Sciences

Received: 13 Jul. 2015

Accepted: 6 Sep. 2015

Considering the importance of assessing and identifying effective couple Factors on healthy marriage, this study aimed to determine the predictive role of factors marital in the successful marriage among youth couples. This is a descriptive- correlational research in which 853 couples in Tehran with at least one child were selected through random cluster sampling method and then assessed by Iranian Family Health Questionnaire (IFHQ) and Demographic Characteristic Questionnaires. Data analyzed using Pearson correlation and stepwise multiple regression analysis. The results of Pearson's correlation coefficient showed that there was a significant and positive relation between marriage health and couple factors. In addition, the results indicated that marital factors could predict 59 percent of successful marriage. Hence, a number of different factors can contribute to building a successful marriage including reciprocal caring, intimacy, acknowledgment, commitment, attempt to satisfying one another, sexual satisfaction, and agreement. These factors are of fundamental role in successful marriage. Therefore, with regard to marriage, it is necessary to pay more attention to social and cultural contexts.

Key words: Successful Marriage, Marital Factors, Couples and Socio-Cultural Context